

مفاهیم نظریه اقتدار کارپزماتیک با رهبری امام خمینی (ره)

اصغر افتخاری*

سید علی مرتضوی امامی*

چکیده:

سلطه کارپزماتیک به معنای وفاداری و التزام توده مردم به شخص رهبر است. کارپزماتیک پیوستگی زندگی سیاسی را، خواه قانونی باشد یا سنتی، قطع می‌کند، نهادها را در هم می‌شکند، نظم موجود و فشارهای اجتماعی معمولی را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و به جای آن، به شیوه نوینی از فهم مناسبات میان انسان‌ها دعوت می‌کند. پرسش محوری این نوشتار آن است که آیا شخصیت اقتدارآمیز امام (ره) را می‌توان با نظریه اقتدار کارپزماتیک، درک و تحلیل نمود یا خیر؟ ویژگی شخصیتی امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی، ایشان را در مقام کارپزما، برتر شناخته و در واقع یکی از عوامل اصلی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وجود امام خمینی (ره) در مقام رهبر این انقلاب بوده است. ایشان تمام نیرو و توان خود را در بسیج مردم به کار گرفت و با قدرت، آن را رو در روی شاه قرار داد تا سلطه وی را در هم بریزد و دولت اسلامی به وجود آورد. شخصیت امام (ره) به عنوان رهبری عقیدتی، سیاسی و انقلابی که رنج همه زحمت‌کشان را بر دوش دارد جلوه می‌کند که در واقع تبلور آمل و آرزوهای همه ملت است و آنها را در مسیری روشن و درست هدایت می‌کند.

این نوشتار، ضمن تحلیل نظریه اقتدار کارپزماتیک (ویر) به تحلیل مبادی و ابعاد اقتدار امام خمینی (ره) نیز می‌پردازد و در آخر این دو تحلیل را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ویر، اقتدار کارپزما، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره).

*: دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام. Eftekhariasg@gmail.com

** : دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان. sedaliemami@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۸

مقدمه

بیشتر جامعه‌شناسان سیاسی در پی دستیابی و ارائه قوانین عام انقلاب بوده‌اند و شرایط گوناگونی را پیش از وقوع انقلاب به عنوان علت آن برشمرده‌اند؛ با وجود آنکه این تئوری‌ها دارای اختلافات اساسی درباره معنا و علت انقلاب هستند، اما می‌توان میان آنها شباهت‌های اساسی عمده‌ای یافت. نخست اینکه، با توجه به ماهیت پدیده‌های اجتماعی که به طور دقیق قاعده‌پذیر نیستند. این تئوری‌ها بیشتر حدود احتمالی وقوع انقلاب را در نظر دارند و دورنمایی کلی از حدود زمانی وقوع انقلاب به دست می‌دهند. گذشته از این تئوری‌ها عوامل چندگانه‌ای را در توضیح علت انقلاب دخالت می‌دهند؛ هرچند ترتیب و توالی و نوع این عوامل در تئوری‌های مختلف، متفاوت است. در واقع، تئوری‌های تک‌علتی انقلاب بسیار نادر است و وقتی هم یک عامل به عنوان علت عمده تعیین می‌شود منظور یگانگی علت نیست. بیشتر این تئوری‌ها به درستی انقلاب را پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی تلقی می‌کنند. در نظریه کاریزما پیدایش شرایط انقلابی منوط به دوره‌های فشار و اضطراب روحی، طبیعی و اقتصادی و... است و رهبر کاریزما در این شرایط ظهور می‌کند. نظریه کاریزما یکی از مهم‌ترین نظریه‌های انقلابی است که وجود آن را می‌توان در بسیاری از انقلاب‌های بزرگ جهان مشاهده کرد. پرسش اساسی آن است که آیا می‌توان ابعاد نظریه کاریزماتیک را در شخصیت امام خمینی(ره) در جریان انقلاب اسلامی بازجویی کرد؟ به عبارت دیگر، آیا شخصیت امام خمینی(ره) با نظریه اقتدار کاریزماتیک قابل تحلیل و بررسی است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها ضمن تحلیل نظریه کاریزماتیک (وبر) و تحلیل ابعاد اقتدار امام خمینی(ره) به مقایسه تطبیقی این دو تحلیل می‌پردازیم.

۱. تحلیل نظریه اقتدار کاریزماتیک وبر

۱-۱. تعریف وبر از کاریزما

وبر لفظ کاریزماتیک را که از «رودولف سوهم» به عاریت گرفته است، چنین تعریف می‌کند: «کیفیت استثنایی شخصی که به نظر می‌رسد واجد یک قدرت فوق طبیعی، فوق بشری یا دست‌کم غیر عادی است که از گذر آن چنان مردی مقتدر و سرنوشت‌ساز جلوه می‌کند و بدین دلیل، مریدان یا هوادارانی گرد او جمع می‌شوند. رفتار کاریزمایی مخصوص فعالیت سیاسی نیست؛ زیرا می‌توان آن را در زمینه‌های دیگری چون دین، هنر، اخلاق و حتی اقتصاد ملاحظه کرد؛ هرچند به نظر وبر یکی از خصلت‌های کاریزم دشمنی یا دست‌کم بیگانگی بودنش نسبت به فعالیت عادی اقتصادی است. سلطه کاریزمایی در سیاست در چهره‌های گوناگونی ظاهر می‌شود: در چهره عوام‌فریب، دیکتاتور اجتماعی، قهرمان نظامی یا انقلابی.» (فرونه، ۱۳۶۲: ۲۴۴)

۱-۲. ویژگی‌های اقتدار کاریزمایی و انواع آن

کاریزما نیرویی غیرعقلانی و معجزه‌آسا است که در درون جهان و حیطة غیرعقلانی زندگی اجتماعی پدید می‌آید و همانند نیروهای حاکم در آن حوزه، پیش‌بینی‌ناپذیر است. از همین رو، به دقت معلوم نیست که تحت چه شرایطی کاریزما و جنبش کاریزمایی پدید می‌آید. کاریزما در متن تاریخ غیرعقلانی زندگی انسان پدید می‌آید و اساساً برخواسته از نیاز دائمی انسان به تعریف زندگی خویشتن و واقعیت جهان و جامعه است. به دیگر سخن، کاریزما در پاسخ به «مسئله معنا» پدید می‌آید؛ همچنانکه به طور کلی پیدایش ایدئولوژی‌ها، مذاهب و عقاید از همین دیدگاه توضیح داده می‌شود. در کل، اقتدار کاریزمایی دارای این ویژگی‌هاست:

۱-۲-۱. **شخصیت‌محور است:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتدار کاریزمایی شخصیت‌محوری آن است؛ یعنی اقتداری که بر محوریت یک فرد در جریان است و تمام امور به وی منتهی می‌گردد. ویژگی‌های فردی و شخصیتی وی در این جریان سرنوشت‌ساز بوده و می‌تواند بر دیگران غلبه یابد.

۱-۲-۲. منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده دانسته می‌شود: ممکن است از قدرت‌های ماورالطبیعی نشأت گرفته باشد و یا اینکه زمینی و عادی باشد؛ اما به هر حال، قدرت‌های گوناگونی در این راه وی را مشایعت می‌کنند. (بشریه، ۱۳۸۲: ۵۴)

۱-۲-۳. ممکن است مذهبی یا غیر مذهبی باشد: یکی از جریاناتی که به شخصیت کاریزماتیک کمک می‌کند مذهبی بودن آن است. البته ممکن است با مذهب فاصله زیادی داشته باشد؛ اما داشتن باورهای قوی و اعتقادات مورد قبول مردمی در اجرای مأموریت او نقش بسزایی دارد.

۱-۲-۴. رابطه عاطفی یا غیرعقلانی میان پیرو و رهبر است: رابطه میان پیرو و رهبر در این میان بر محوریت عاطفی و یا غیرعقلانی بودن استوار است. این نوع رابطه، نزدیکی بیشتری را میان رهبر و پیرو ایجاد می‌کند و امکان پیروزی را میسر می‌سازد.

۱-۲-۵. احیاکننده عقاید است: یکی دیگر از وظایف و ویژگی‌های اقتدار کاریزماتیک، زنده کردن عقاید منسوخ شده و یا عرضه آرمانی نوست. این روند در هدفمند کردن برنامه‌ها و اهداف وی نقش مهمی دارد. (همان، ۵۹)

۱-۲-۶. در زمان بحران اجتماعی احتمال ظهور آن افزایش می‌یابد: شخص کاریزما زمانی ظهور می‌کند که جامعه دچار بحران‌های اجتماعی، سیاسی و تحولات عمیق شده باشد. این بحران‌ها که سرانجام موجب تغییرات اجتماعی و فکری می‌شود زمینه‌ساز عرض اندام بیشتر شخصیت کاریزمایی می‌شود.

۱-۳. منابع اقتدار کاریزمایی

بنیاد اقتدار کاریزمایی بر سه پایه معرفتی، اجتماعی و سیاسی استوار است. هر یک از این منابع، شکل‌دهنده اقتدار کاریزمایی و تجلی‌دهنده نقش آن در فرایند جامعه و تحولات آن است.

۱-۳-۱. منبع معرفتی: کاریزما موهبتی شخصی است که یک شخص را قادر می‌سازد که رهبر شود. این موهبت مرکب از نیروهایی است که هر کسی نمی‌تواند دارای آنها باشد. بنابراین پیروان رهبر، این نیروها را فوق طبیعی یا فوق بشری می‌دانند. این نیروها را نمی‌توان از شخص رهبر جدا کرد و نیز نمی‌توان آنها را اکتساب نمود. اما

رابطه میان مأموریت و شخص مأمور چنان تنگاتنگ است که اگر کاریزما از مواهب روحی باشد، شخص مأمور نیز باید همان‌ها را به طور عینی داشته باشد. آنچه فوق طبیعی و فوق بشری دانسته می‌شود، برحسب مأموریت و وضعیت اجتماعی تغییر می‌کند. بنابراین کاریزما را نه فقط در قالب ساختاری، بلکه آن را در چارچوب تاریخ تحولی، یعنی با کمک مفاهیم امر شخصی و غیرشخصی نیز می‌توان تفسیر نمود. کیفیت موهبت کاریزمایی وابسته به این است که آیا مأموریت در چارچوب جهان‌بینی اسطوره‌ای خدا - مرکزی، فرمول‌بندی شده است یا در قالب جهان‌بینی انسان‌مداری و آیا شالوده‌ای که مأموریت کاریزمایی ارائه می‌دهد دیگر جهانی است یا درون‌جهانی. (ویر، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۷)

اگر جنبش کاریزمایی در وجود یک نفر تجلی پیدا کند، آن شخص به نظر پیروان، فردی خارق‌العاده است. میان پیروان و رهبر، رابطه ارادت برقرار می‌باشد و ارادت، خود کنشی عاطفی است. ممکن است جنبش کاریزمایی کاملاً شخصی باشد در این شکل ناب، شخص رهبر یا مراد به عنوان خارق‌العاده، موضوع ارادت و کنش‌های عاطفی قرار می‌گیرد. در صورتی که کنش‌های عقلانی مبتنی بر ارزش اساس سلطه کاریزمایی باشد، این کنش‌ها معطوف به ارزش‌هایی خواهد بود که رهبر بر آنها تأکید می‌کند. شخصیت کاریزمایی شخصیتی منحصر به فرد، خارق‌العاده و واجد رسالت تلقی می‌شود و از همین رو موضوع ارادت مریدان و پیروان قرار می‌گیرد. با توجه به مبنای عاطفی و خصلت شخصی جنبشی کاریزمایی چنین سلطه‌ای بی‌ثبات‌تر از سلطه سنتی است؛ زیرا خود از یک سو عامل تضعیف سنت‌های مستقر است و از سوی دیگر هنجارها و ارزش‌های تازه‌ای عرضه می‌کند که به سرعت ریشه پیدا نمی‌کنند. (بشیری، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۳)

۲-۳-۱. منبع اجتماعی: نیروی کاریزما در نهادهای اجتماعی تحول ایجاد می‌کند. کاریزما نیرویی غیرعقلانی و معجزه‌آسا است که در درون جهان و حیطه غیرعقلانی زندگی اجتماعی پدید می‌آید و همانند نیروهای حاکم در آن حوزه پیش‌بینی‌ناپذیر است. کاریزم در متن تاریخ غیرعقلانی زندگی انسان پدید می‌آید و اساساً برخاسته از نیاز دائمی انسان به تعریف زندگی خویش و واقعیت جهان و جامعه است.

(tacker; 1968: 92) به عبارت دیگر، کاریزما در پاسخ به «مسئله معنا» پدید می‌آید؛ همچنانکه به طور کلی پیدایش ایدئولوژی، مذاهب و عقاید از همین دیدگاه توضیح داده می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، جنبش کاریزمایی در صورتی تداوم می‌یابد که با علایق مادی برخی گروه‌های اجتماعی یا «گروه‌های حامل» درآمیزد. وبر این موضوع را به طور کامل در رابطه با مذاهب توضیح داده است. به اعتقاد او، هر یک از مذاهب بزرگ با توجه به روح اقتصادی حاکم در آنها بیشتر با علایق مادی یکی از طبقات عمده جامعه سنخیت داشته‌اند. از این رو، گروه‌های حامل در ادیان مختلف شامل دیوان‌سالاری، طبقات بازرگان، جنگ‌سالاران و زمینداران، رنگ علایق مادی خود را بر جنبش مذهبی باقی گذاشته و بدین‌سان هر مذهب با آمیزش با منافع مادی خاصی تداوم یافته است. البته حلقه درونی پیروان و مریدان، همیشه متشکل از کسانی است که ممکن است حتی به زیان خود به پیروی از رهبر ادامه دهند. (فروند، ۱۳۶۲: ۳۹)

حلقه‌های دورتر شامل سودجویان، فرصت‌طلبان، ماجراجویان، گروندگان جدید، افراد مردود و... می‌شوند. کاریزما وقتی پدید می‌آید که در اثر تحولات اجتماعی، دیگر پیکر واقعیت در جامعه سنتی جا نمی‌گیرد. (کاسیرر، ۱۳۷۰: ۴۶) به طور کلی، در زمان بحران اجتماعی، احتمال ظهور کاریزما افزایش می‌یابد و عموماً موجب تغییرات اجتماعی و فکری می‌گردد. وبر معتقد است بعد از جنبش اجتماعی، اقتدار کاریزما به نهادها و سازمان‌ها واگذار می‌شود. (Weber, 2008:15)

۳-۱- منبع سیاسی: سرشناس شدن رهبر کاریزمایی و تصدیق امر او، حاصل سلطه کاریزمایی نیست، بلکه اساس آن است. در اینجا وبر یکی از منشأهای مشروعیت‌یافتن نظام دموکراسی را می‌بیند. (weber, 2004:321) چنین تفسیر دموکراتیکی از مأموریت رهبر کاریزمایی وقتی ممکن می‌شود که حیات انجمن‌هایی که او یا مریدانش برپا داشته‌اند، عقلانی شده و جهان‌بینی اسطوره‌ای به جهان‌بینی انسان‌مدار تبدیل شود. این حقیقت که در سلطه کاریزمایی محدودیت‌های بیرونی وجود ندارد، به این معنا نیست که سلطه کاریزمایی فاقد ساختار است، برعکس ساختاری مشخص و معین با دستگاه خدماتی و وسایل مادی دارد که همه این سازمان‌ها خود را با مأموریت رهبر همسو کرده‌اند. هدف این ساختار این است که سرشت غیرمعمولی این نوع سلطه را حفظ و

حراست کند؛ زیرا اگر سلطه کاریزمایی نخواهد که به امری غیرعادی و روزمره تبدیل شود، باید دعوی مأموریت یا وظیفه شرعی آن کاملاً متعصبانه و سازش‌ناپذیر باشد. این وضع مستلزم دو پیش‌شرط است: اول، سازمان رهبر کاریزمایی نباید سازمانی رسمی باشد، بلکه باید متشکل از افرادی باشد که شغل و زندگی خانوادگی را ترک گفته و آماده شده‌اند که خود را در راه تحقق هدف‌های رهبر فدا کنند. دوم، رهبر کاریزمایی و مریدانش نباید نیازهای خود را از طریق فعالیت‌های معمولی اقتصادی برآورند. سلطه کاریزمایی توانایی مشروعیت‌یافتن و سازمانی‌شدن را که می‌تواند ساختاری پایدار برای سلطه ایجاد کند، ندارد. و بر، سلطه کاریزمایی را نه فقط به منزله سلطه غیرعادی و استثنایی، بلکه به مثابه سلطه شخص توصیف می‌کند. (وبر و پارسونز، ۱۳۷۹: ۱۵)

۲. مبادی و ابعاد اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره)

بی‌تردید امام خمینی (ره) یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر تاریخ، به خصوص در سده‌های اخیر بود. ایشان رهبری ملتی را با موفقیت به دوش گرفت و آن را به سرمنزل مقصود رساند که به علت توطئه‌های پیاپی و مستمر استعمار و استکبار جهانی دچار مشکلات زیادی بود. شخصیت پرجاذبه و درک و استدلال بی‌سابقه امام خمینی (ره) در برپایی انقلاب اسلامی ایران، نقش اساسی داشت و فقط شخصیت آن حضرت بود که مردم را از فساد حاکم شاهنشاهی و استعمار آمریکایی آگاه ساخت و مردم را به دور خود جمع نمود و زمینه هر نوع تشمت و دودستگی را از بین برد. ایشان رمز وحدت و یکپارچگی ملت ایران گردید که این امر یکی از ویژگی‌های برجسته شخصیت امام خمینی (ره) می‌باشد. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۳)

۲-۱. تعریف اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) نقش بسیار برجسته‌ای در شکل دادن به تاریخ معاصر انقلاب‌ها داشت. او کلیه تئوری‌های سیاسی، دکترین‌های تاریخی و جریانات فلسفی را زیر و رو کرد و توانست در دورانی که تکنولوژی و زندگی مدرن بر دیگر مظاهر زندگی تسلط پیدا کرده است با هدایت انقلاب اسلامی نظام‌های ارزشی غرب را متزلزل کند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) با آسیب رساندن به بنیادهای اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی غرب، توانست ابهت سلطه امپریالیسم غرب را که پایمال‌کننده ارزش‌های مستضعفان بود، درهم شکند.

۲-۲. ویژگی‌های اقتدار کاریزمانیک امام

تأثیرگذاری امام و انقلاب اسلامی بر حیات معنوی انسان معاصر، آن‌چنان عمیق و گسترده است که می‌توان گفت: «انقلاب امام خمینی(ره) حتی سیر تطوری انسان را تغییر داد.» (حاجتی، ۱۳۸۷: ۳۵) به برکت امام و انقلاب آسمانی و پیام‌های قدسی او بار دیگر شکوفه‌های خداجویی و دین‌گرایی در بستر خشکیده جهان معاصر جوانه زد و نغمه ایمان‌گرایی و توحید و خداپرستی در سراسر جهان طنین‌انداز شد. «مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح، ۲۹) شخصیت امام علاوه بر برانگیختن تحسین جهانیان، دشمنان امام و انقلاب را هم بر آن داشت تا از ویژگی‌های خیره‌کننده او سخن به میان آورند تا آنجا که برخی از کارگزاران شیطان بزرگ نیز با تسلیم در برابر عظمت ایشان در اعتراف به آن اظهار داشتند: «تردید نمی‌باشد که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود، کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه که نه تنها در ایران، بلکه در جهان داشت برخوردار باشد و توجه قدرت‌های بزرگ را تا این حد به خود معطوف دارد.» (باوند، ۱۳۷۵: ۴۵). «آیت الله خمینی انقلابی خستگی‌ناپذیری بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پی‌ریزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند.» (آرین، ۱۳۶۳، ۸۵)

«ندای امام خمینی(ره) از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خاست، مردمی که در طول چهارده قرن حماسه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، حسین عَلَيْهِ السَّلَام، زینب عَلَيْهَا السَّلَام، سلمان، ابوذر، و صدها زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند و علی و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام را در چهره او دیدند...» (مظهری، ۱۳۶۱: ۱۱۹) «امام خمینی(ره) تجلی منحصر به فرد مبارزه‌طلبی اسلام در قبال استیلای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب بود.» (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۹۳)

از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتدار امام خمینی (ره) عبارتند از:

۱-۲-۲. **محوریت الله:** یکی از ابعاد والای شخصیت امام خمینی (ره) تأثیرات بسیار عظیمی است که ایشان بر روی جهان اسلام به طور خاص و بر روی کل جهان به طور عام گذاشته است. امام خمینی (ره) بر خلاف تمام رهبران علمی - سیاسی و حتی رهبران به اصطلاح مذهبی، می‌کوشید که طرفداران خود و به طور کلی تمامی مسلمین به جای اینکه متکی به شخص ایشان باشند به خدا وابسته باشند و در کلیه کارها خداوند را محور قرار دهند و حاکمیت مطلق را فقط از آن خدا بدانند و در برابر اسلام و قوانین آن سر تسلیم فرود آورند و در بین خود دوستدار یکدیگر باشند. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱۲)

۲-۲-۲. **منبعث از نیروهای مردمی و همگانی:** امام خمینی (ره) بر خلاف رهبرانی که در دنیا، گروه و قشر خاصی را مخاطب قرار داده‌اند با دعوت فراگیر خود، همچون انبیا و اولیا، تمامی مردم جهان را مورد خطاب قرار داد و آنها را به سوی نور و هدایت دعوت کرد. قدرت امام (ره) از نیروی مردمی و فراگیری نشأت گرفته بود و در این راستا مرحله به مرحله تا پیروزی نهایی پیش رفتند. ایشان با تکیه بر قدرت مردم مسلمان، انقلاب اسلامی را بیمه کرد. امام خمینی (ره) یک شخصیت جهانی است که در قلب عموم مستضعفین جهان جا دارد، در قلب تمام مسلمانان و تمام آنها که اعاده حق را اصل و اساس زندگی بشری می‌دانند. (همان، ۱۳۸۶: ۲۵) از آغاز نهضت و فقدان حضور امام (ره) در ایران، این مردم بودند که با فراگیری آموزه‌های ایشان در راه پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کردند.

۳-۲-۲. **کاملاً مذهبی و بر پایه دین مبین اسلام:** امام خمینی (ره) احیا کننده اسلام در قرن بیستم بود. ایشان به اسلام آبرو و قدرت داد، اسلام در عرصه جهانی هدایت واقعی خود را از دست داده بود، اما امام (ره) با آغاز نهضت و انقلاب اسلامی، توانست اسلام را به جایگاه واقعی خود برساند و در آستانه قرن بیست و یکم حرکت ریشه‌دار دینی در جهان برپا کند. (قادری، ۱۳۷۱: ۴۲) ایشان همیشه دعوت به جهاد و مبارزه را مطابق با قرآن و سنت دنبال می‌نمود. او مردم را دعوت می‌نمود که به قوانین الهی عمل

کنند و از خدا بترسند و در راه خدا جهاد نمایند و شرارت‌های اجتماعی که ملت را در بر گرفته و تحت نظام حکومت دنیا طلب شاه قرار داده بود، از بین ببرند. او با جدیت تمام سیاست‌های غیر اسلامی رژیم را مورد حمله قرار می‌داد. (همان، ۱۳۸۶: ۲۴)

۲-۲-۴. رابطه عاطفی و عقلانی با مردم: امام خمینی (ره) تنها رهبر مسلمانی بود که خود را فدای آزادی ملت خویش از چنگ طاغوت نموده و موفق به براندازی رژیم ظالم شاهنشاهی و نیز سرمایه‌داری کافر لیبرال توتالیتریسم و دشمن اسلام و شیعه گشت. (همان، ۱۳۸۵: ۵۳) ایشان با انقلاب خود میلیون‌ها انسان را از ظلمت به سوی نور هدایت نمود و شخصیت تازه‌ای به آنها بخشید. این انقلاب، پیام مخصوصی برای تمام انسان‌های آزاده جهان داشته و اهداف این انقلاب، تنها پیام سقوط یک رژیم و جایگزینی آن توسط رژیمی دیگر نبود؛ بلکه هدف، تأسیس حکومتی بود که از قرآن و تعالیم ائمه علیهم‌السلام ریشه گرفته و بنابراین محدود به مرزهای داخلی کشوری خاص نشده و ندای بیداری تمام کشورهای عرب خاورمیانه را دارد. در تمام مدت مبارزه جهت سرنگونی رژیم شاه، رابطه امام با پیروانش، هم جنبه عاطفی داشت و ایشان مانند پدری مهربان با راهنمایی‌های خویش سکان این کشتی‌ها را در دست داشتند، و هم جنبه عقلانی داشت. ایشان با درایت و هوشمندی فزاینده در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی ایستادند و مردم را در این زمینه یاری کردند. (داستانی بیرکی، ۱۳۸۵: ۴۱)

۲-۲-۵. احیا کننده عقاید: امام خمینی (ره) حکومت الله را در ایران اعلام نمود، این واقعه برای غرب که معتقد بود پس از امپراطوری عثمانی اسلام مرده است، غیرقابل باور بود. احیای اسلام و اندیشه‌های دینی در ایران که بر اثر سلطه طولانی حکومت‌های مستبد و فاسد شاهنشاهی در ایران منسوخ شده بود، از اقدامات مهم امام خمینی (ره) است. ایشان نه تنها ثابت کرد که اسلام دین حکومت و سیاست است، بلکه قرآن را به عنوان بهترین قانون اساسی به دنیا شناساند. امام باب اجتهاد را باز کرد و علما و اندیشمندان را بر آن داشت تا پیرامون مشکلات عصر خود بیندیشند. ایشان مجدداً مردم را به دامن قرآن بازگردانید و از قرآن و اسلام تفسیر جامع و عملی ارائه کرد و بسیاری از عقاید و باورهای کهنه را منسوخ ساخت. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

۲-۲-۶. در زمان بحران اجتماعی ظهور کردند: سرآغاز اقدامات عملی امام(ره) را باید در سال ۱۳۴۰-۱۳۴۱ و در مخالفت با قانون اصلاحات ارضی جست‌وجو کرد. و بعد از آن حوادث پی‌درپی و کشتارها و خونریزی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که به اوج خود رسیده بود. فساد و فحشا و بی‌بندوباری در دستگاه پهلوی بیداد می‌کند، همزمان با این جریانات، اقدامات به ظاهر دلنشین، اما مخرب رژیم که در قالب انقلاب سفید شاه جلوه‌گر شد، همراه با تبعید امام در سال ۱۳۴۳ و قیام ۱۵ خرداد، آمدن نخست‌وزیران عیاش و جاه‌طلب و نفوذ‌گریبان در ایران، همه دست به دست هم دادند و زمینه ظهور امام را فراهم کردند. در واقع، ایشان زمانی به صحنه آمد که علی‌رغم نابسامانی‌های ناشی از بی‌هویتی رژیم شاهنشاهی، اسلام نیز جایی در رژیم ایران نداشت. (مرتضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

۲-۳. منابع اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره)

در تحلیل شخصیت امام خمینی(ره) با نگاهی عمیق به روح ملکوتی و افکار بلند و ویژگی‌های منحصر به فرد روحی و معنوی، و آثار و برکات فراوان حیات طیبه ایشان، باید گفت: «صدای امام خمینی برای مردم ایران حکم صدای خدا را داشت»، در نظر میلیون‌ها انسان موحد: «دوست خدا بر روی زمین» و هدیه آسمانی و ملکوتی برای خاکیان بود. (هیگل، ۱۳۶۸: ۳) سلوک معنوی و افکار متعالی و تقید بی‌چون و چرای ایشان به دستورهای شرع و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هر مسلمان منصفی را بر این باور استوار می‌ساخت که: «الگویی شخصیتی از شخصیت‌های زمان صدر اسلام با معجزه‌ای به دنیا بازگشته تا پس از پیروزی امویان و به خون غلطیدن شهدای اهل بیت سپاه علی را رهبری کند. شخصیت الهی و پیام‌های معنوی حضرت امام بسیاری از پیروان سایر ادیان و مذاهب را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد تا آنجا که در نظر برخی از تحلیل‌گران و متفکران مسیحی «او مسیح معاصر بود و دقیقاً اشعه حلابت و سازش‌ناپذیری عیسی‌بن‌مریم علیها‌السلام بود.» (زورث کاریس، ۱۳۷۶: ۳۸) تأثیرگذاری امام و انقلاب اسلامی بر حیات معنوی انسان معاصر آن‌چنان عمیق و گسترده ارزیابی می‌گردد که می‌توان گفت: «انقلاب امام خمینی حتی سیر تطوری

انسان را تغییر داد.» (حاجتی، ۱۳۸۷: ۳۵) به برکت امام خمینی (ره) و انقلاب آسمانی و پیام‌های قدسی او بار دیگر شکوفه‌های خداجویی و دین‌گرایی در بستر خشکیده جهان معاصر جوانه زد و نغمه ایمان‌گرایی و توحید و خداپرستی در سراسر جهان طنین‌انداز گردید. «مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ.» (فتح، ۲۹) شخصیت امام علاوه بر برانگیختن تحسین جهانیان، دشمنان ایشان و انقلاب را هم، بر آن داشت تا از ویژگی‌های خیرکننده او سخن به میان آورند تا آنجا که برخی از کارگزاران شیطان بزرگ نیز با تسلیم در برابر عظمت امام در اعتراف به آن اظهار داشتند: «تردید نمی‌باشد که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود، کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه که نه تنها در ایران، بلکه در جهان داشت برخوردار باشد و توجه قدرت‌های بزرگ را تا این حد به خود معطوف دارد.» (باوند، ۱۳۷۵: ۴۵) «آیت‌الله خمینی انقلابی خستگی‌ناپذیری بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پی‌ریزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند.» (آرین، ۱۳۶۳: ۸۵)

۱-۳-۲. کارآمدی و پشتوانه مردمی و اجتماعی

امام خمینی (ره) باعث شد که مردم مسلمان ایران بر ضد حکومت طاغوت قیام کنند و البته جنبه معنوی و رهبری مذهبی امام در این موفقیت‌ها، عامل اصلی بود؛ زیرا که مردم با امام بیعت کرده بودند و مخالفت با فتوای ایشان را گناه می‌شمردند و البته رژیم شاه با تحقیر مردم و تجاوز به مقدسات آنان و با مسلط ساختن بیگانگان بر کشور و با ظلم همه جانبه خود، زمینه را برای پیروزی امام آماده کرده بود و امام نیز با کیاست خاص و ضربات کوبنده، رژیم شاه را از پای درآورد و سرنوشت او را با فرعون یکسان ساخت. (الغنوشی، ۱۳۷۲: ۵۴) ایشان تمامی نیرو و توان خود را در بسیج همه امت به کار گرفت و با قدرت آن را در روی شاه قرار داد تا سلطه وی را در هم بریزد و یک دولت اسلامی به وجود آورد. (فوکو، ۱۳۷۳: ۴۵) بدین ترتیب، شخصیت امام به عنوان رهبری عقیدتی - سیاسی و انقلابی که رنج همه زحمتکشان را

بر دوش دارد، جلوه می‌کند که در واقع تبلور آمال و آرزوهای همه ملت است و آنها را در مسیری روشن و درست هدایت می‌کند. ایشان توانست نیروهای میلیونی توده‌های مردم را در راه رسیدن به آزادی، عدالت و استقلال، متحد سازد و همه مردم نیز رهبری وی را با جان و دل و تا پای جان پذیرفتند.

دوران رهبری امام را می‌توان به چهار مرحله متفاوت تقسیم کرد:

دوره اول: ظهور امام (ره) به عنوان رهبر سیاسی - مذهبی و کسب مقبولیت سریع ایشان از طرف توده‌های مردم. این دوران با اعلامیه مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز و اوج شکوفایی آن در سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورای ماه محرم و دستگیری و قیام ۱۵ خرداد بود و با تبعید ایشان به ترکیه که به دنبال مخالفت شدید با کاپیتولاسیون تحمیلی آمریکا صورت گرفت و سازش و خیانت بعضی از روحانیون از جمله شریعتمداری به پایان رسید. (شیخ فرشی، ۱۳۷۹: ۲۰) امام (ره) در این دوره چهار اقدام اساسی انجام دادند:

الف) با تحریم تقیه که سالیان طولانی مهم‌ترین مانع در راه مبارزات مستقیم و خشونت‌آمیز مردم با رژیم‌های خودکامه و در عین حال دستاویز سازشکاران بود از سر راه حرکت و مبارزه اسلامی برداشت.

ب) امام با کشاندن مبارزه به کانون اصلی فعالیت مذهبی، یعنی حوزه علمیه قم، برای همیشه خط بطلان بر تن جدایی دین از سیاست که در جهت جا انداختن آن تبلیغ و تلاش زیادی می‌شد کشید، و حتی کسانی را که از ورود به فعالیت‌های سیاسی اکراه داشتند و ادار به موضع‌گیری کرد و بدین وسیله سنت دیرینه حاکم بر حوزه علمیه قم را شکست.

ج) با متوجه کردن لبه تیز حملات خود به لانه و کانون اصلی فساد، یعنی سلطنت و شخص شاه به شیوه محافظه کارانه قبلی در مبارزه پایان داد.

د) با حمله مستقیم به همه قدرت‌های بزرگ و در رأس آنها آمریکا هر نوع ملاحظه کاری سیاسی را که در گذشته و به ویژه در دوران نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت رایج بود، مطرود دانسته و شیوه‌ای کاملاً نو در مبارزه انتخاب کرد.

دوره دوم: رهبری امام که دوره فترت طولانی پانزده ساله است که با تبعید ایشان به ترکیه و با عزیمت ایشان از نجف به پایان می‌رسد. اگر چه در این دوره گاهگاهی به مقتضای زمان و با توجه به حوادث و اتفاقاتی که در ایران رخ می‌داده با انتشار اعلامیه‌ها و فتاوی و انجام سخنرانی‌ها نه تنها به مخالفت و مبارزه با رژیم ادامه داد، بلکه ارتباط معنوی خود را با مردم حفظ کرد، و آنها را در این دوره ارشاد و راهنمایی می‌کرد، لکن کار اصلی و مهمی که امام در این دوره انجام دادند این بود که به عنوان ایدئولوگ انقلاب با آغاز یک‌سری دروس حوزه‌ای که به حکومت اسلامی و یا ولایت فقیه معروف است، طرح اصلی حکومت بعد از انقلاب را ریخته و برای کسانی که تا آن زمان بر ایشان حکومت اسلامی نامفهوم و مبهم بود روشن کردند که در صدد ایجاد چه نوع جامعه و حکومتی باشد.

دوره سوم: رهبری امام از زمانی آغاز شد که اولین جرقه‌های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم موجب شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر گردیده و دیری نگذشت که با شعله‌های خود خرمن هستی نظام حاکم بر ایران را سوزاند و برای همیشه به نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پایان داد. امام (ره) در این دوره با تشخیص موقعیت مناسب و با بیداری و حرکت مردم درنگ را جایز ندانستند و پرچم رهبری و فرماندهی انقلاب را بر دوش گرفته و بدون هیچ‌گونه سازش و مصلحت‌طلبی و با درک صحیح از خواسته و اراده و توان مردم که با شور و احساسات و ایثار جان و فداکاری در صحنه‌های تظاهرات و درگیری با مأمورین دولتی به منصفه ظهور می‌رساندند عزم قاطع و خلل‌ناپذیر خود را در ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم شاه اعلام و دنبال کردند.

دوره چهارم: حساس‌ترین و مشکل‌ترین دوره رهبری انقلاب بود، دوره‌ای که رهبر انقلاب هم به عنوان رهبر اجتماعی و هم به عنوان رئیس حکومت می‌بایست کشتی هیجان‌زده انقلاب را به ساحل آرامش و سکون هدایت نماید. و در حالی که قدرت سیاسی و نظام طاغوتی سقوط کرد، و میلیون‌ها انسان که در بند اسارت رژیم بودند از بند آزاد شدند و امکان هر نوع هرج و مرج و خارج شدن حرکت از کنترل رهبری وجود داشت، رهبر انقلاب می‌بایست با قدرت و توانایی فوق‌العاده ضمن کنترل هیجان و احساسات عمومی توده‌های مردم و جلوگیری از هرج و مرج، مانند معماری قابل و

توانا ساختمان جدید حکومت اسلامی را بر ویرانه‌های حکومت ساقط شده بنا نماید. (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۰۴)

۲-۳-۲. جهانی‌سازی اسلام: یکی از ویژگی‌های استثنایی انقلاب اسلامی، آرمان‌های الهی و اهداف متعالی آن است؛ زیرا «امام به عنوان بشری که قرار است دوران آینده بشر را بشارت دهد وارد صحنه جهان شدند؛ دورانی که در آن نه شرق حاکم خواهد بود نه غرب». (حاجتی، ۱۳۸۷: ۵۰) اساساً امام خمینی (ره) ضمن تعریف و تفسیر ماهیت انقلاب اسلامی و ابعاد واقعی آن در چارچوبی جهانی و خارج از محدوده مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی، تحول باطنی انسان در پهنه کره خاکی و رجعت دوباره بشر به مفاهیم معنوی و توحیدی و زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی اسلام به پرچمداری امام زمان (عج) را مأموریت مهم و اصلی جریان توفنده انقلاب اسلامی دانستند. تأکیدها و تصریحات مکرر امام خمینی (ره) در این باره نشان از این واقعیت مسلم است که وی با وقوف کامل بر فقر معنوی انسان معاصر، فراهم آوردن شرایط ظهور منجی موعود بشریت را مأموریت الهی و رسالت تاریخی انقلاب اسلامی می‌دانستند و نهایت تلاش خود را نیز برای نیل به این هدف مقدس مبذول داشتند. چنانکه پیش از پیروزی انقلاب در جهت توجیه و آماده‌سازی اصحاب انقلاب، آنان را به اهداف آرمانی انقلاب اسلامی، یعنی برپایی حکومت اسلامی در ایران و احیای مجدد اسلام در کشورهای اسلامی، متذکر گردیده و ضمن آنکه مرحله سوم را «انقلاب جهانی اسلام» مرحله ظهور منجی موعود می‌دانستند، آن را غایت قصوری و هدف نهایی انقلاب اسلامی ذکر می‌کردند.

قیام امام خمینی (ره) و موقعیت انقلاب اسلامی شرایط جدیدی را به وجود آورد که حاکی از ورود جهان به دوره‌ای متفاوت از ادوار گذشته و عصری با ویژگی‌های ممتاز دینی و معنوی است. ایشان در دوران فترت طولانی پانزده ساله از ایران نقش ایدئولوگ انقلاب را به نحوی شایسته بر عهده گرفته و اجرا کردند. اگر چه ایدئولوژی انقلاب بر پایه مکتب اسلام و بر اساس مأخذ و منابع اصلی آن، یعنی قرآن و سنت و احادیث مورد تردید و شک نبود، ولی از آنجا که چهارده قرن از زمانی که حکومت اسلامی واقعی به صورت عینی و عملی برقرار بوده می‌گذشت و به ویژه در

دوران غیبت امام عصر(عج) و با توجه به تحولات عظیم اجتماعی که در طول چهارده قرن رخ داده بر مردم روشن نبود که آن حکومت اسلامی که می‌بایست بر خرابه‌های رژیم سلطنتی پایه‌ریزی شود، چگونه رفتار خواهد کرد و شیوهٔ انتخاب و اختیار رهبری حکومت و تقسیم‌بندی مسئولیت بر چه اساسی خواهد بود. (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۳)

۳. معنویت‌گرایی

امروزه بر اثر قیام امام خمینی(ره) بار دیگر ارزش‌های دینی در کانون توجهات جهانی قرار گرفته است، تا آنجا که حتی بسیاری از سران کشورها و دولت‌ها در شرق و غرب عالم با همسودیدن فضای حاکم بر دنیا و کشورهای خود با حرکت آرام به سوی حقیقت دین و... به تحلیل از دین و اعتقادات دینی پرداخته‌اند، و دین به عنصری برای تحت تأثیر قرار دادن بسیاری از سیاست‌های جاری دولت‌های جهان مبدل گشته است. همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اقتدار امام خمینی(ره) در این جنبش، جهان شاهد ظهور یکی از آثار مهم این انقلاب در عرصهٔ زندگی بشر است. بسط و گسترش فعالیت بی‌سابقه دانشمندان رشته‌های مختلف علوم در زمینه کشف کارکردهای مثبت دینی در زندگی بشر را باید یکی از نمونه‌های عینی تأثیرپذیری دنیای معاصر از پیام‌های اصولی انقلاب اسلامی و رهنمودهای امام خمینی(ره) دانست. (حاجتی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) همراه با قوت یافتن باورهای دینی دانشمندان و اقبال عمومی جوامع بشری به تعالیم و حیانی، جهان امروز شاهد موج جدیدی از توجه و تعمق مجامع علمی و تحقیقاتی نسبت به جایگاه ویژه ایمان مذهبی و تعالیم دینی، در سامان‌دهی حیات انسانی است. بنابراین ادامهٔ روند اقتدار کاریزمایی امام به قوه و پیروزی مادی‌گرایان نبود و آنچه آن را مستحکم ساخت تعالیم دینی و معنوی بود، رسالتی که امام(ره) بر عهده داشت، جهان را دگرگون ساخت و ارزش‌های جدیدی را به آن ابلاغ کرد.

نتیجه:

حیات معنوی و تأثیر شگرف و عمیق امام خمینی (ره) بر جهان معاصر و حضور ملموس اندیشه و افکار ایشان در میان امت اسلامی شرایطی را پدید آورده است که در نگاه پیروان مکتب رهایی بخش آن عبد صالح خدا «امام هرگز نمرده و هنوز زنده و فعال است» و بی شک «با گذشت چند سال از عروج امام اکنون نیز افکار و اندیشه‌های ایشان در جهان طرفداران فراوانی دارد.» (دوپاسکیه، ۱۳۷۴: ۳۴) و جهانیان همچنان تحت تأثیر انقلاب معنوی او قرار دارند. اکنون علی‌رغم میل دشمنان قسم خورده اسلام و بشریت «امام خمینی (ره) از نظر بسیاری از مسلمانان آخرین شخصیت از سلسله آموزگاران و داعیان بازگشت به خودآگاهی در عصر جدید محسوب می‌گردند.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۶) و امروز بیش از هر زمان دیگر سرمشق امام خمینی (ره) اسلام‌گرایان را در سرتاسر گیتی به حرکت درآورده است. تحولات جاری جهان و دلایل فراوان حاکی از این واقعیت است که: جهان معاصر هر روز بیش از پیش شاهد گسترش دامنه نفوذ ایده‌ها و اندیشه‌های امام بوده و بی‌تردید روح خدا تا رسیدن انقلاب عظیم اسلامی به اهداف بلند و متعال «رسالت تاریخی امام» در کالبد جانشین شایسته و امت فداکارش به حیات خود ادامه خواهد داد. با آشکار شدن بیش از پیش آثار جهانی قیام الهی امام خمینی (ره) و متزلزل‌گشتن پایه‌های استیلای همه جانبه تفکرات الحادی و مادی بر بنیادی امروز بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان داخلی و خارجی با تأکید بر واقعیت ورود بشریت به عصری جدید به تحلیل و تبیین ویژگی‌های مهم این پدیده عظیم جهانی و بررسی نقش کلیدی امام در این زمینه پرداخته‌اند. (برآم، ۱۳۶۸: ۹۴) اکنون بسیاری از دانشوران اسلامی بر این باورند که امام خمینی (ره) آغازگر «عصر جدیدی در تاریخ اسلام» بلکه «دنیای دیانت» می‌باشد. صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسلمان داخلی و خارجی تصریح می‌کنند که «ندای قدسی امام، جهان را به لرزه درآورد» و به واسطه سیره فکری و عملی امام «اسلام جلوه خود را در سراسر جهان نشان داده است» تا آنجا که «تأثیرات قیام حضرت امام در اروپا هم محسوس می‌باشد.» (زنجانی، ۱۳۶۷: ۲۶۹) این تحلیل‌گران و صاحب‌نظران عمیقاً معتقدند با آغاز عصر امام خمینی دین و دینداری در جهان گسترش یافته است و دین زنده شده و کلیساها جان تازه گرفته‌اند و در یک کلام، عصر امام عصر احیای دین و معنویت در جهان معاصر می‌باشد.

بررسی تطبیقی: نظریه کاریزماتیک وبر با رهبری امام خمینی

ردیف	ویژگی‌های نظریه کاریزماتیک و شخص کاریزما از دیدگاه ماکس وبر	ویژگی اقتدار کاریزماتیک امام
۱	شدیداً شخصی است: اقتدار بر پایه محوریت یک فرد است.	بر محوریت «الله» است: اقتدار و حاکمیت فقط از آن «الله» است.
۲	منبعث از قدرتهای خارق‌العاده: ممکن است از قدرتهای ماورالطبیعی کمک بگیرد.	منبعث از نیروهای مردمی و همگانی: تکیه بر نیروی مردمی مهم‌ترین عامل در پیروزی.
۳	ممکن است مذهبی یا غیر مذهبی باشد: شخص کاریزما ممکن است دارای ریشه‌های مذهبی باشد و یا آنکه کاملاً غیرمذهبی باشد.	کاملاً مذهبی است: یکی از دلایل موفقیت امام قرار گرفتن اهداف مبارزاتی ایشان در باورها و اعتقادات مذهبی و دینی مردم ایران بود.
۴	رابطه عاطفی یا غیرعقلانی میان پیرو و رهبر حاکم است: روابط بر یک پایه و محوریت (عاطفه) در جریان است.	رابطه عاطفی و عقلانی میان امام و مردم حاکم بود: روابط امام با مردم بر دو پایه عاطفی (مردم امام را مانند پدری مهربان می‌دانستند) و عقلانی (در مقابل اقدامات رژیم تدابیر خاصی را تا به آخر اتخاذ کردند).
۵	احیا کننده عقاید است: ممکن است شخص کاریزما در راستای اهداف خود عقیده‌ای که منسوخ شده را بازسازی کند و یا آنکه مروج ایده و آرمانی خاص باشد.	احیا کننده عقاید است: یکی از مهم‌ترین اهداف حضرت امام احیا کردن دین اسلام در جامعه بود که برای مدتی طولانی و در اثر اقدامات حکام مستبد ایرانی در حاله‌ای از الهام به سر می‌برد.
۶	در زمان بحران اجتماعی امکان ظهور کاریزما بیشتر است: زمانی که نابسامانی‌های اجتماعی به اوج خود می‌رسد امکان ظهور کاریزما افزایش می‌یابد.	در زمان بحران اجتماعی نقش امام پررنگ‌تر شد: اوضاع نامساعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و به خصوص مذهبی، دینی و فرهنگی دوران پهلوی و اقدامات ناپسند رژیم، نقش امام را به عنوان رهبر نهضت هویدا ساخت.
۷	منبع اقتدار کاریزماتیک: منابع قدرت کاریزما بر سه پایه معرفتی، سیاسی و اجتماعی استوار است.	منبع اقتدار کاریزماتیک امام: این منابع بر سه محور مردمی و اجتماعی، معنوی و جهانی‌سازی دین اسلام استوار است.

منابع و مأخذ:

۱. آرین، مایک، (۱۳۶۳) کارتر و سقوط شاه روایت دست اول، ترجمه ناصر ایرانی، چاپ اول امیرکبیر.
۲. باوند، نعمت‌الله، (۱۳۷۵) نقش امام خمینی (ره) در جهان معاصر، چاپ دوم، مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. برآم، سایروس، (۱۳۶۸) انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ترجمه پ، شیرازی، چاپ دوم، انتشارات انقلاب.
۴. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، چاپ پنجم، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. بیرکی، علی، (۱۳۸۵) امام خمینی (ره) از نظر نخبگان جهان، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸) بنیان مرصوص امام خمینی، چاپ دوم، اسراء.
۷. حاجتی، میراحمدرضا، (۱۳۸۷) عصر امام خمینی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. دوپاسکیه، روزه، (۱۳۷۴) سرگذشت اسلام و سر نوشت انسان، چاپ دوم، ترجمه علی اکبر کسمانی، فرجام.
۹. زورث کاریس، روبین وود، (۱۳۷۶) زیباترین تجربه من، ترجمه خدیجه مصطفوی، مشهد، انتشارات محب.
۱۰. زیبا کلام، صادق، (۱۳۷۷) «امام خمینی، پانزدهم خرداد و انقلاب اسلامی»، روزنامه جامعه، شماره ۸۳.
۱۱. شیخ فرشی، فرهاد، (۱۳۷۹) تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. صدیقی، کلیم، (۱۳۷۵) نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، اطلاعات.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷) انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، چاپ اول، نشر کتاب سیاسی.
۱۴. الغنوشی، راشد، (۱۳۷۲) حرکت امام خمینی (ره) و تجدید حیات اسلام، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، چاپ دوم، مؤسسه اطلاعات.

۱۵. فروند، ژولین، (۱۳۶۲) جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، نشر نیکان.
۱۶. فوکو، میشل، (۱۳۷۳) ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، هرمس.
۱۷. قادری، علی، (۱۳۷۱) مخاطبین در وصیت‌نامه سیاسی - علمی امام خمینی، تهران، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. کاسیرر، ارنست، (۱۳۷۰) فلسفه روشنگری، ترجمه یدالله موقن، تهران، انتشارات نیلوفر.
۱۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۷۹) رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، ج ۲، چاپ اول، تهران.
۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۸۵) امام خمینی (ره) و جهان معاصر، چاپ سوم، بی‌جا.
۲۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۸۶) ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، بی‌جا.
۲۲. محمدی، منوچهر، (۱۳۶۵) تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۳. مرتضایی، علی اکبر، (۱۳۸۶) امام خمینی (ره) در حدیث دیگران، چاپ دوم، تهران، پیام آزادی.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱) پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ اول، انتشارات صدرا.
۲۵. وبر، پارسونز، لوویت، (۱۳۷۹) «عقلانیت و آزادی» مقالاتی از ماکس وبر و درباره ماکس وبر، ترجمه یدالله موقن و احمد تدین، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس.
۲۶. هیکل، محمد حسنین، (۱۳۶۸) مدافع آیت‌الله، چاپ چهارم، دارالشروق، قاهره، بیروت.
27. R. Tucher, (1968), *Theory of Charismatic leadership*, Daedalus. Rol. 97
28. Weber, Max, (2004), *the protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, (talcottparsons), charler scribnersons, New York.
29. Weber, Max, (2008), *Economy and Society* (Gunther Roth and claus wittich, eds), Berkeley university of California press.